

چکیده

قرارداد کار در گذشته تحت عنوان اجاره اشخاص صرفاً جنبه خصوصی داشته است. عوامل عقیدتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با توجه به نابرابری طرفین قرارداد باعث گردید که دولتها در این رابطه کارگری کارفرمایی دخالت کنند. دخالت و ورود دولتها در قرارداد کار باعث گردید تا علاوه بر جنبه حقوق خصوصی داشتن رابطه کار، جنبه حقوق عمومی نیز به آن ببخشد و با مرور زمان و با تحول حقوق کار نقش حقوق عمومی بیشتر از حقوق خصوصی جلوه گر شود. در این پایان نامه به بررسی تطبیق قواعد عمومی قراردادها با قرارداد کار می پردازیم سوال اصلی این است که ماهیت حقوقی قرارداد کار چیست و قواعد عمومی قراردادها در قرارداد کار را چگونه می توان تطبیق داد. فرضیه ما هم این است از نظر ماهیت، قرارداد کار جزء قراردادهای معین پیش بینی شده در قانون خاص (قانون کار) می باشد که ضوابط و شرایط آن پیش بینی شده است. از سویی دیگر فرض دیگر ما این است که با توجه به تاثیر اراده دولت در رابطه کارگری و کارفرمایی که این اراده مبنای حقوق طرفین تلقی می گردد مبنای خروج قرارداد کار از حاکمیت قواعد عمومی قراردادها محسوب می گردد. نظریه اینک ماده ۱۹۰ ق.م شرایط اساسی را در لفظ مطلق بیان نموده، از نظر تشکیل در قرارداد کار هم جاری می گردد ولی در باب شرایط و آثار قرارداد نظر بر مداخله دولت و وضع ضوابط و تشریفات الزام آور که به عنوان محدود کننده اصل حاکمیت اراده ها می باشد، قانون خاص (قانون کار) اعمال می گردد. این تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده و براساس استفاده از متون حقوقی و کتابخانه ای انجام شده است.

کلمات کلیدی: قواعد عمومی قراردادها، قرارداد کار، ماهیت حقوقی قرارداد کار، تطبیق قواعد عمومی و قرارداد کار